

عنوان: دو قرن غلبه بر سکوت

دکتر علی ذکاوتی قراگزلو^۱

چکیده	اطلاعات مربوط به مقاله
پس از جنگ های طولانی ایران و روس در ابتدای قرن نوزدهم جامعه ایران دچار زلزله ای شد که پس لرزه های اثرگذار آن تا پس از جنگ جهانی دوم هم ادامه داشت .این دوره در عین حال با چند "چرخش فرهنگی" در تمدن غرب و ایران همزمان و مصادف شد. "چرخش فرهنگی" هم نتیجه و هم نشانه آن است که رابطه بین کنشگر فردی و اجتماعی و سازمانی با ساختارها به نامتقارن و نامتوازن بودن دچار شده است و بنابر این باید تجدید شود. با چرخش فرهنگی ممکن است "آلکسیتیمیا" یا "سخن تنگی" ۲ و ژرف تر شدن نبود وفاق اجتماعی بروز کند. این بر لزوم درک و دریافت نسبت ها و ربط ها و التفات یا تجدید آن تاکید دارد. در این نوشته برای اشاره به لزوم فهم ریتوریک بیان برای غلبه بر سکوت ، استعاره آلکسیتیمیا به کار رفته است. روند ترمیم "آلکسیتیمیا" در تحولات و چرخش های فرهنگی مستلزم تشویق و ترغیب مردم برای ترمیم عدم تعادل نهادی و همچنین بهبود روابط انسانی و ارتقای همدلی و هماهنگی همراه با درک طرحواره های فردیت های عمودی، مرتهدها، گناهکار ها، کافر ان، زیردستان و همه گروه های محذوف و محروم از حقوق است.. فرایند ترمیم "آلکسیتیمیا" در تحولات و چرخش های فرهنگی به ترغیب و تشجیع انسان ها به روی آوری یا ابداع بدیل نو ، آغاز گری و ترمیم عدم توازن نهادی و نیز اصلاح روابط انسانی و ارتقای همدلی و وفاق توأم با درک تفاوت ها و فردیت ها نیازمند است. در این دوره نام ها و بازیگران موثر و چهره هایی مطرح اند که هریک با شیوه خود و خوانش خود به آفرینش یا نوآوری یا اقتباس یا تقلید اندیشه ها و سبک هایی به عرضه بدیل و نشر آن پرداخته اند. شیوه خوانش کل نگرانه مستلزم رهایی از کلی سازی یعنی ساختار زدایی و ساختار سازی برای تعادل مداوم است. ایجاد این تعادل پویا در جریان شرایط اختلال نمادی و نهادی برای گشایش انسداد رابطه کلی نگری با کلی سازی و نیز رابطه کنشگر-ساختار با چالش های مداوم و طولانی همراه است. در این جا ارج و اهمیت هرمنوتیک مضاعف تربیت (نهاد رسمی و غیر رسمی) آشکار می شود.	کلید واژگان چرخش فرهنگی ، کل نگرانه، کلی سازی بدیل، آغاز گری، تربیت ،فرد، عقلانیت ، کنش .

^۱ دانشیار دانشگاه تربیت معلم

۲ برای Alexitimia که مقصود از آن فقر کلامی در بیان احساسات و خواسته هاست معادل پیشنهادی نگارنده سخن تنگی (مانند دلنگی) است.

مقدمه

ضرورت تغییر خوب یا بد روا یا ناروا خردمندانه و عقلانی یا نسنجیده پرشتاب و سریع یا کند عباراتی اند که در وصف کنشگران و ساختارهای عصر نو کاربرد زیاد دارند. پرسش درباره ماهیت آن و درباره کارکرد نقش آدمی و چگونگی پاسخ ها و انتخاب ها سرنوشت آدمی را تعیین می کند. پاسخ ها همیشگی نیستند و به ویژه در چرخش های فرهنگی نوشونده اند. معروف است که مرگ تمدن ها زمانی است که به پرسش های جدید پاسخ های کهنه بدهند. ساختار ها و تعامل آن ها با هویت انسانی به مثابه یک کل دشواری همیشگی است و بسا که پاسخ ها ی نوشونده می طلبد. ساختار و سازوکارها و فرهنگ را می توان کنش پیوسته دانست. پرسش هایی که پیش روی نسل ها سربرآوردند تنها پرسش های نوینی نبوده اند بلکه نیز تقریرنو پرسش ها و مساله ها و سنت کهن اند پرسش ها ممکن است بنا به اقتضای اجتماعی/ فرا نهادی یا بنا بر مقتضیات پویش نهادعلم و یا به انگیزه نبوغ فردی ابداع شوند. از منظر نگارنده موفقیت هر نهادی، مشروط به فهم ریتوریک های مختلف و از جمله ریتوریک هنر و سکوت و نیازهای خاموش و نوشونده و فهم همدلانه "دیگری" است. بر سر راه امکان تلفیق این سه منظر - تاسیس بهشت زمینی - تله ها و دام باز دولت ها و نقش بین الملل و جهانی است. به نظر می رسد که یکی از علل و دلیل های مهم چرخش فرهنگی، گسست ها و تعارض ها تغییر مفهوم سعادت باشد :

سعادت واقعی ابدی و تغییر ناپذیر همیشگی است که در جهان هستی نفوذ می کند. سعادت تلاقی گاه شادمانی، معنا و حقیقت است ... به دین و تحقیق فلسفی می پردازیم زیرا خواهان آگاهی از حقیقت وجود خودیم^۲.

۲- مفهوم سعادت به خوشبختی رفاهی^۳ آدمی و تقلیل خوشبختی رفاهی به "توسعه اشیا" و غلبه اشیا بر همه زندگی تغییر پیدا کرده است. تقلیل گرایی در تمامیت معنای زندگی تقلیل گرایی در صورت بندی مساله و نیز تقلیل گرایی سیاستی از جمله تقلیل گرایی نخبگانی (اکتفا به بوروکرات-محوری) و تقلیل گرایی کالبدی است.

۳- نقاط واگرا، ابهام و تناقض و امیدها و لزوم درک نیاز های خاموش. انسداد انرژی^۴ با تغییرات فعالیت متناسب جسمانی و فیزیولوژیک و بیولوژیک از طریق عضلات و پوست و چشم و صدا و کارکرد غدد یا با کلامی کردن^۴ و اصلاح " سخن تنگی " ^۵ همبستگی دارد. در این نوشته معنی استعاری آن مدنظر است.

1Bliss

2What is Bliss? | Huff Post Life

www.huffpost.com › entry › bliss_b_147737

۲ welfare

4 Verbalization

5 Alexitimia

انتظار می رود که با فهم عمیق انس هستی شناختی و اصالت و تمامیت زندگی ابعاد نوشونده فضای کنش و سرمایه روانشناختی و با ابداع توافقی بدیل ها الگوی اعتماد، این مهمترین شاخص سرمایه اجتماعی، متکی بر باور به استقلال پرشورکنشگر (فردی و سازمانی) در عین همدلی و فهم و نقد و ایجابی / بیرون از خاص گرایی فراهم آید تا رویکردهایی که بهسازی بدیل را به فقرالگو دچار کرده اند زیرا آن را یک بعدی باز نموده و صورت بندی منحصرافنی به دست داده اند نقد شوند. آنگاه چهره ای از بدیل تلفیقی پدیدآینده ی کلانی به نام جامعه مهربان با شور زندگی و صبوری خردمندانه ترسیم می شود. با طرح بدیل تلفیقی پدیدآینده کلانی به نام جامعه مهربان این پرسش هم مطرح می شود که رابطه نظریه با عمل چیست و فلسفه اجتماعی و سازمان های اجتماعی باز و دیوان سالاری و سازمان های کنترل اجتماعی و نهاد علم و نهادهای تربیتی با ضرورت ها و نیازهای خاموش چه می کنند؟

زیبا کلام با الهام از هانری برگسون و آلفرد نورث وایتهد می نویسد: فرآیند زندگی به گونه ای نیست که جهش از یک وضعیت به وضعیت دیگر صورت گیرد؛ بلکه مانند رودخانه ای است که همواره در حال حرکت است و عقل قدرت تحلیل آن را ندارد. این اساسی ترین واکنش نسبت به اندیشمندان ماتریالیستی زمان و نظریه ماشینی بودن و مکانیکی بودن جهان بود. این واکنش بر اساس اصل " نیروی زندگی " بود. از این دیدگاه نیروی زندگی را نمی توان در چارچوب مکانیکی و با تاکید بر ماده خلاصه کرد. جهان علاوه بر ماده از وجود غیر قابل انکار عمل و حرکتی مداوم یعنی زندگی برخوردار است. روان و شخصیت انسان هم مانند یک رودخانه جریان دارد و در توصیف و تجویز نباید لایه های زندگی را چنان از هم تفکیک کرد که تمامیت آن از هم بگسلد. روان و شخصیت انسان از قوانین ساده انگارانه و روابط علت و معلول خطی تبعیت نمی کند. زیبا کلام می نویسد: این توجه نوعی بینش شهودی را برای درک زندگی انسان توصیه می کند. این بینش از وضعی به وضع دیگر حرکت نمی کند که نسبت به گرایش ماتریالیستی زمان خود واکنشی نشان دهد. (زیبا کلام مفرد، وایتهد ۱۳۸۸). فرهنگی که از حرکت موج آسای زندگی تعبیر برگسون و وایتهد غافل بماند نمی تواند طرحواره های بدیل برای نسل ها ترسیم کند زیرا از خرد ارتباطی یا هوش هستی شناختی و یا از هردو محروم می ماند.

روشناسی

فرایند پایش آفاق فکری و اجتماعی تربیت رسمی و غیر رسمی با هسته سخت " موقعیت " رو به رو است. این هسته سخت ملغمه ای از ارزش ها، انتظارات، پیش فرض ها و ابهامات همه طرف ها است. ممکن است مانند دورکیم میانجیگری و قبول داوری درونی و اعتبار قابل دسترسی بیرونی راپشت وروی یک سکه بدانیم. فیلسوف فرهنگ را به هستی، همسانی و تفکر در " شناسایی هویت و تفاوت " مرتبط کرد (Shaw, 2004). در دنیای بسیار مدرن^۱، این نگرانی بروز کرد که فرهنگ مصداق بارز صورت بندی ها و نمادسازی ها

در مقالات پیشین اشاره شده که نظامی گنجوی در خمسه اش و نصراله منشی در کلیله و دمنه و سعدی شیرازی عبارت فراخ سخنی را به کار برده اند معادل پیشنهادی نگارنده برای آلکسیتمیا سخن تنگی (مانند دلتنگی) - فقر کلامی در بیان احساسات و خواسته ها- است.

برای مستور ماندن حقیقت وجود شده است. اولین جامعه شناسان نگران صور گوناگون بی هنجاری، گسیختگی، بیگانگی، خودخواهی عمودی قفس عقلانیت، بحران اخلاقی و انومی بودند.

شناخت پیچیدگی معانی و کنش ها، روایت ها و انتظارات ایرانیان از طریق تاریخ اندیشه مطبوعات، آموزش، سیاست، خطابه، نقد هنرها، نقد ادبی و نویسندگی شعر سینماگری و چگونگی گسترش و تعمیق ابعاد و دامنه زبان شعر و ادب، تئاتر سینمای تجربی و سینمای موسوم به اندیشمند، و نیز بررسی چگونگی ظهور و تغییر یا افول نسل هایی از دست اندرکاران این عرصه ها و تفکر مدرن و متجددانه در ایران تا حدی احتمالا ممکن می شود.

شناخت پیچیدگی معانی و کنش ها، روایت ها و انتظارات ایرانیان از طریق تاریخ اندیشه مطبوعات، آموزش، سیاست، خطابه، نقد هنرها، نقد ادبی و نویسندگی شعر سینماگری و چگونگی گسترش و تعمیق ابعاد و دامنه زبان شعر و ادب، تئاتر سینمای تجربی و سینمای موسوم به اندیشمند، و نیز بررسی چگونگی ظهور و تغییر یا افول نسل هایی از دست اندرکاران این عرصه ها و تفکر مدرن و متجددانه در ایران تا حدی احتمالا ممکن می شود.

از دیدگاه یک فیلسوف وجودگرا در این زمانه تنگدستی و عسرت که انسانیت انسان به حد تسلط بر طبیعت تنزل یافته، هنر تنها راه خروج از بحران مدرنیته است (رامین، ۱۳۹۱). نهادها گاه صریحا جزمی و دارای "جوهری خاص گرایانه" اند و چون در "فرایند" زیبا شناسانه و فهم مشترک و اتخاذ کنش تفاهمی و میانجیگری اجتماعی^۱ و تجمیع مناظروارگی خواسته های ذی نفعان و کنشگران شکل نمی گیرند، ممکن است شکاف فزاینده بین خود و دیگری^۲، بین هدف و وسیله و محتوای فرهنگی و تعارض بین آنچه "واقعی"، "تاب" و "اصیل" شناخته می شود افزایش یابد.

درباره چرخش های فرهنگی عصر نو و انسان نو و مقوم های وجودی و هستی تاریخی او - آزادی و فردیت و خود بنیادی - باید گفت یکی از ویژگی ها و نتایج آغاز گری^۳ کنشگر در شرایط تاریخی و تحت الشعاع روح عصر مدرن که "حقیقت ها خود را آشکار نمی کنند" این است که طبعاً بروز خطا در شناخت ها و نارسایی تفاهم انسان ها و درک نکردن موهبت متفاوت بودن هم غیر منتظره نیست. در این نوشته برای اشاره به لزوم فهم ریتوریک بیان برای غلبه بر سکوت، استعاره آلکسیتمیا به کار رفته است. به معنای آزادی "آزادی منفی" (رهایی از موانع آزادی) و آزادی مثبت (گسترش قدرت و امکان انتخاب بدیل ها) باید توجه کردن دانش محدود ما در باره حقیقت یا ناممکن بودن دسترسی به آن نباید مجوز امتناع از جستجو و گفتگو باشد. صلح منفی و مثبت و "تربیت منفی" (رهایی از موانع) و تربیت مثبت هم چنین است. درباره چرخش فرهنگی نوشته اند:

¹Social Mediation

^۲ نگارنده معادل این اصطلاح انگلیسی Perspectives پیشنهاد می کند.

³ Initiation

چرخش های فرهنگی را می توان شامل انواع تغییرات مختلف در عمل تاریخ دانست. به جای تاریخ سیاسی یا اقتصادی مبتنی بر قرائت مستقیم سیاست و داده های اقتصادی، معنا در زبان فرهنگ مورد نظر است. بعلاوه، ممکن است تاریخ به صورت روایتی عینی نگاشته نشود. امانشانه شامل راهبردها و صداها و ریتوریک های مختلف باشد.^۱

به نظر می رسد از نظر تاریخی تجدید معنابخشی به زندگی امکان خطا و فردیت های متفاوت توام با آزادی در ابتدا سبب بروز شور هستی شناختی و سپس نقد آن می شود. خوانش و نقد درون ماندگار و با نگاه نقدتوسعی، به اصالت و "تمامیت زندگی" زندگی نظر می کند. ناقدان گاه از منظر "تعالی آگاهی" می نگرند و گاه از منظر آزادی و گاه از منظر عدالت. این آرمان ها جلوه چرخش فرهنگ-تمدنی مهم و معنا دار اند.

در دوره مورد نظر نام ها و اعلام و چهره هایی مطرح اند که هریک با شیوه خود و خوانش خود به آفرینش یا نوآوری یا اقتباس یا تقلید به عرصه آگاهی و نشر اندیشه ها و نقد و گاه تجویز پاسخ هایی با استفاده بخش هایی از میراث های خودی و چگونگی ارتباط با میراث بشری پرداخته اند. در این دوره طیف بسیار گسترده ای منشا اثر گذاری بر تفکر و تخیل و عمل بوده اند. از نیازهای اصیل نو^۲ تا فرایندکنشگری مسافران و مهاجران به قفقاز و اک عثمانی و اروپا و شبه قاره هند و ژاپن تا مجاوران عتبات در عراق تاخواننده ترانه سرای ۲۵ ساله انگلیسی تا کاریکاتوربست امریکایی تا صاحب نظر آفریقایی و چینی تا زن مبارز الجزایری تا فعالان عرصه ورزش قهرمانی تا انقلابیون مصلحان خارجی بر ساخت یابی تحول و چگونگی و فرایند شناخت اجتماعی و کنش اجتماعی و تاریخی دوقرن اخیر اثر گذاشتند و در گستره حوزه عمومی و فرانهادی کارکرد و نقش ایفا کردند. نام ها و چهره هایی که آثار کنش یا خاطره هایی از آن ها ماده و خمیر مایه فضای تخیل و یا آرزو و امید پروری یا نومییدی و کناره جویی و یا عمل زندگی و پر کردن شکاف های اجتماعی در فضای چرخش فرهنگی را به طور مستقیم و نامستقیم شکل داد.

بحث: بسیاری کوشیده اند بدیل نظری و گاه رویکرد حرفه ای و عملی و چشم اندازی مناسب فهم و تکفل انس هستی شناختی و اصالت و تمامیت زندگی ارائه دهند. درک رنجهای هولناک ستمدیدگان، خاموشان، "گناهکاران"، مهاجران، رانده شدگان و بازندگان و فرودستان که در تله فقر تله بی اطلاعی از حقوق و عدالت و دورباطل چرخ های مردم خوار^۳ و خوار شماری ها و بیگانگی اجتماعی و فردیت های تهاجمی و چرخه فرساینده اختلال اجتماعی و اداری گرفتار آمده باشند برای دیگران بس دشوار است. از منظر فلسفی: هستی، مطلق است که هم هستی و هم ماورای هستی است. معنا با پیچیدگی های محیطی و موضوعات شناخت(خدا، دیگران، خود

1 https://archives.history.ac.uk/makinghistory/themes/cultural_turn.html

About | Contact | Feedback | FAQ

The Institute of Historical Research@2008

^۲ این عبارات عینا در *سیاحتنامه /براهیم بیک*، نوشته حاج زین العابدین مراغه ای انتشارات جیبی چاپ چهارم ۱۳۵۷ آمده است.

^۳ تعبیر جلال الدین مولوی

و محیط زیست)، طبیعت انسانی و ماورای انسانیت¹ (نسبت با ماشین، نسبت انسان با حیوانات²، نرم افزار و دنیای مجازی)، با توجیه و مشروعیت اخلاقی، جریان روان کنش رضایت، همدلی، ایثار و بخشش و بخشایش یا به عبارتی با فراست و فرهیختگی کنش فرهنگی اجتماعی و سیاسی هم سر و کار می یابد. انتظار این است که حاملان و تاویل گران عقلانیت عصر نو با ترغیب به آزاد اندیشی و ژرف کاوی به ابداع و تشویق ارائه بدیل نظری و عملی و فرهنگی شدن³ بپردازند. بدیل نظری و طرحواره عملی پیوستار گشوده ای اند دال بر التفات هستی شناختی به انس هستی شناختی و اصالت و تمامیت زندگی انسانی و نه کلی سازی و یکسان سازی. و بنابر این رویکرد بودشناسانه به هستی های دیگر، فردیت ها و توانایی ارتباط و "درک دیگری".

برای شروع بررسی فهم سپهراندیشه معاصر (اجتماعی، دینی، فرهنگی، هنری و سیاسی) در این جا به نام های کسان یا آثار یا ترجمه آثار یا انعکاس نقش عملی کنشگران ایرانی یا چهره های خارجی که در ادراک وزیان و فرهنگ متاخر ایران و انتظارات و فهم ایرانی تاثیر گذار بوده اند اشاره می شود (برای ترسیم اطلسی در این موضوع این فهرست کامل نیست).

بعضی از نخبگان مثلاً حکمای اربعه تهران⁴ به آموزش فلسفه و حکمت مطابق روش ها و هدف های سنتی می پرداختند که چندان پاسخگوی نیازهای فلسفی و فکری و عملی نوظهور نبود و از همه مهم تر مفهوم سازی مقصود به زیان ساده نیاز گمشده عموم بود⁵. میرزا ابوطالب خان لندنی⁶ عبد اللطیف طسوجی (معروف به حاجی ملاباشی مترجم و ناظر چاپ⁷ هزار و یکشب)، فتحعلی آخوندزاده، میرزا ملکم خان (معروف به قانونی)، میرزا ملکم خان، عبدالرحیم طالب اوف (نویسنده کتاب مسالک المحسنین و کتاب احمد که تحت تاثیر کتاب امیل ژان ژاک روسو بوده)، میرزا آقا تبریزی (پیشرو نمایشنامه نویسی پس از فتحعلی آخوندزاده)، حاج زین العابدین مراغه ای⁸ محمد نصیر حسینی معروف به فرصت الدوله شیرازی (نویسنده آثار عجم)، جلیل محمد قلی زاده (موسس نشریه طنز

1 Post Humanism

2 Animal Ethics

3 Culturalization

⁴ این عنوان برای آقا محمد رضا قمشه ای، آقا علی مدرس زنوزی، میرزا ابوالحسن جلوه و آقا میرزا حسین سبزواری، از شاگردان ملا هادی سبزواری، به کار می رود.

⁵ بعد تر نیاز زمانه را که تصریح و مفهوم سازی "حقوق بشریه"، "حقوق افراد وطن"، "حقوق ملیه"، "حب وطن"، "وطن مقدس"، "منافع ملیه"، "وطن عزیزما" و "مقتضای زمان ما ساده نویسی است" باشد با همین عبارت ها در کتاب زین العابدین مراغه ای می بینیم.

⁶ او نویسنده کتاب مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان لندنی است (به کوشش حسین خدیو جم، در سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۳ به چاپ رسید).

⁷ پیشرو این کار خاچاطور کیساراتسی بود که در سال ۱۰۴۸ هجری چاپخانه ای در جلفای اصفهان راه انداخت و ساغوموس یا زبور حضرت داود را چاپ کرد. بعدها در زمان نادرشاه چاپ سنگی آزمون شد. بعد تر در زمان عباس میرزا چاپ سربی شروع به کار کرد. (سپهر، ۱۳۶۹).

⁸ بعد تر نیاز زمانه را که تصریح و مفهوم سازی "حقوق بشریه"، "حقوق افراد وطن"، "حقوق ملیه"، "حب وطن"، "وطن مقدس"، "منافع ملیه"، "وطن عزیزما" و "مقتضای زمان ما ساده نویسی است" باشد در کتاب زین العابدین مراغه ای می بینیم.

ملانصرالدین)، زین العابدین مراغه ای (نویسنده سیاحت نامه ابراهیم بیگ)، بی بی فاطمه استرآبادی (نویسنده کتاب معایب الرجال و از بنیانگذاران آموزش زنان و مادر علی نقی وزیری موسیقی دان)، میرزا آقاخان کرمانی (نویسنده منتقد واز مخالفان قاجار و درطلب دفع استبداد قاجار به دست روحانیان)، میرزا حسن خبیر الملک، ابوالقاسم ناصر الملک، یوسف مستشارالدوله، عباسقلی آدمیت، سیدحسن تقی زاده، محمد علی تربیت، ناظم الاسلام کرمانی، ابوالحسن فروغی، سید حسن مدرس، محمدعلی فروغی، یحیی دولت آبادی، میرزا حسن رشیدیه، ثریا اشرف السلطنه (تدوین کننده کتاب خیرات حسان در شرح احوال زنان نخبه و نیز همسر اعتمادالسلطنه و نخستین زن خبرنگار و عکاس)، و طویبا آزموده (از پیشروان آموزش زنان) هریک به شیوه ای زمینه افقی از بدیل های احتمالی مورد نظر خود را تصویر می کردند.

علما و نخبگان دینی همچنان به شیوه های مختلف وبا انتظارات و بدیل های متفاوت در جریان های اجتماعی و سیاسی اثرگذار بودند. ملا محمد کاظم خراسانی مشهور به آخوند خراسانی و صاحب کفایه /کفایة الاصول، مرجعیت عامه شیعه را بر عهده داشت. آخوند خراسانی و دو مرجع دیگر: شیخ عبدالله مازندرانی و میرزا حسین خلیلی تهرانی به "آیات ثلاث" مشهور و حامی مشروطه ایران بودند. هم چنین این نام ها مطرح اند: شیخ هادی نجم آبادی (نویسنده کتاب تحریر العقلا)، شیخ احمد روحی، میرزای نائینی (محمد حسین نویسنده ی "تنبيه الامه و تنزيه المله فی لزوم المشروطیه الدوله المنتخبه لتقليل الظلم علی افراد الامه و ترقیه المجتمع")، میرزا علی آقا تبریزی (مشهور به ثقة الاسلام دوم یا ثقة الاسلام شهید و نویسنده رساله لالان)، شیخ باقر بهاری، شیخ احمد روحی، سید عبد الحسین نجفی لاری (نماینده میرزای شیرازی در جنوب ایران)، ملا علی قاضی ارداقی، بی بی مریم بختیاری، میرزا جهانگیرخان قشقایی (فیلسوف و فقیه) میرزا نصر اله ملک المتکلمین، سیدجمال واعظ، میرزا احمد مشرف کرمانی.

جمعی هم مانند یوسف مستشارالدوله، مجد الملک سینکی در راه "تنویر" افکار و اصلاح دینی، جمعی در تقلا ی تأسیس عدالتخانه و مسیر مشروطه خواهی و کنترل و محدود کردن قدرت استبدادی حاکم و هم سپس تهیه و تأسیس نهاد و ابزار برای تجدد، قانون خواهی و اندیشه حقوقی، آگاهی ملی و احیای ملیت و طرح تازه تر روزآمدتر و کارآمدتری از دین در ایران —که حقیقی تر هم تلقی می کردند— می کوشیدند. منکران مشروطه خواهی گزینه بدیل مشروعه خواهی و یا مشروطه مشروعه را به میان آوردند^۱.

کنشگرانی هم به تأسیس نهاد ها، زیرساخت های فیزیکی یا ساختار حقوقی و سازمانی و قانونی و آنچه می توان ترسیم افق و هدف و تجویز برای نیل به هدف ها و نیازهای جدید و مشروطیت نامید، می اندیشیدند (و بعضی از این هدف ها درسال های بعد در پروژه های نهادسازی و سیاستگذاری رسمی ظاهر شد). کنشگرانی هم به صورت جمعی یا فردی با تأسیس مدرسه و بعد ها دار المعلمین و دانشکده و دوره یا تدریس با کار فرهنگی، یا اجتماعی درصدد ادامه پروژه های "بیداری"، "ترقی"، "تنویر"، ترویج فنون جدید و سواد و علم" و بعد ها بااصطلاح دیگر در صدد کاهش "فقر فرهنگی" بوده اند. بعضی از نام ها و چهره ها کارکرد های اثرگذارتر دو وجهی یا چند وجهی داشتند و از نظر توانایی ارتباط با مخاطبان گوناگون بسیار متفاوت بودند. فرض می شود یا انتظار می رود که آزادی

۱ در رسائل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت) به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، انتشارات کویر. در اولین چاپ ۱۳۷۴ به معرفی ۱۸ رساله پرداخته است.

انتخابگری مستلزم سواد آموزی (و سپس یا همزمان با آن) فرهیختگی است. تربیت کودکان و کودکان و نو جوانان و به ویژه رانده شده ها و آسیب دیده ها مرام و هدف پستالوزی، هربارت فروبل، و جان دیویی بود به ترتیب تاریخی این نام ها قابل بررسی اند: در ایران میرزا حسن رشديه و دخترش شهناز آزاد، عبد الجبار باغچه بان (بنیانگذار مدارس استثنایی و آموزش کروال ها)، محمدعلی تربیت، طوبا آزموده (از پیشروان آموزش زنان)، علی اکبر دهخدا، طوبی آزموده را باید نام برد. باغچه بان ضمنا به ادبیات و نویسندگی مناسب کودکان هم دلبستگی داشت.

کسانی هم کنشگر اجتماعی فعال و اهل عمل هم بودند مرام خود را در جریان کنش اجتماعی و اداری و گونه ای آغازگری برای نهادسازی به کار برده اند. به ترتیب تاریخی این نام ها قابل بررسی اند: محمود ناصر الملک، ابوالقاسم ناصر الملک، محمدعلی فروغی، علی اکبر دهخدا، حسین کاظم زاده ایرانشهر، عبدالحسین صنعتی زاده، موسی نثری همدانی، شیخ محمود حلبی، صنیع الدوله هدایت، مخبر السلطنه هدایت، مخبر الملک هدایت، میرزا محمدطاهر مستوفی ملقب به بصیر الممالک (پیشکسوت راه اندازی تلفن در ایران)، کیخسرو شاهرخ ملقب به ارباب کیخسرو (بنیانگذار شبکه تلفن ایران، کتابخانه مجلس شورای ملی، پیگیر بزرگداشت مآثر و مفاخر ایرانی)، محمد مصدق (حقوق اساسی و بین الملل و سیاست موازنه منفی)، علی اکبر دهخدا، سید مصطفی عدل، اسداله ممقانی، میرزا علی امین الدوله، محمد علی فروغی، علی اکبر داور، عیسی صدیق (صدیق اعلم)، سید حسن تقی زاده، آیت اله راستی کاشانی (وانجمن حجتیه)، شیخ قاسم اسلامی (بنیانگذار "جامعه تعلیمات اسلامی" که شامل مدارس اسلامی و تلفیق با امکانات نظام رسمی دولتی آموزش و پرورش بود)، سید مجتبی نواب صفوی (میرلوحی)، و در طیفی دیگر عبد الحسین نوشین هم قابل ذکرند.

کسانی هم با گرایش های بسیار متفاوت به طور مستقیم به نهادهای سازی نهاد های تربیتی، ترویجی آموزشی و توانمندسازی روی آوردند: یحیی اعتماد الدوله قراگزلو (همگانی سازی تعلیم و تربیت عمومی و نوین تاسیس دارالمعلمین و همکاری در تاسیس دانشگاه تهران نهادهای سازی حرفه ای معلمی و ایجاد تشکیلات سراسری آموزشی برای کشور و تدوین قوانین آموزشی و کتب درسی و همراهی در تاسیس نظام آموزش عالی در ایران)، امیر امیر اعلم (فعال در ادامه نهادهای سازی مایه کوبی و پزشکی جدید در ایران، بنیانگذار بیمارستان نسوان و نیز جمعیت خیریه شیر و خورشید سرخ / هلال احمر کنونی)، عبدالرزاق بغایری / بغایری (از پیشکسوتان و پیشگامان معاصر فن نقشه برداری و علم جغرافیای مدرن در ایران)، محمد قریب (پدر طب اطفال ایران)، محمد بهمن بیگی، میرزا ابوالحسن حسینی - نخستین معلم بویراحمد و همسرش بی بی اقدس موسوی اولین زن معلم عشایر (این سه شخص اخیر بنیانگذاران سواد آموزی به فرزندان عشایر در ایرانند)، امیر توکل کامبوزیا. ناصر کاتوزیان (حقوق عمومی)، عزت اله عراقی (موصوف به پدر حقوق کار)، قاسم افتخاری (علوم سیاسی)، عباس اکرامی اقدام (از بنیانگذاران باشگاه داری ورزشی)، سیروس جاوید و علی محمد امیر تاش (از بنیانگذاران مدرسه عالی ورزش)، اصغر خالدران (تربیت بدنی)، احمد آقازاده، علی اکبر سیاسی، عیسی صدیق، محمود حسابی، احمد آرام، یحیی مهدوی، محمد باقر هوشیار، غلامحسین صدیقی، احسان نراقی، محمود بهزاد (به قولی پدر زیست شناسی در ایران) محمد حسن گنجی، عباس سحاب (تهیه و انتشار نقشه برداری جغرافیایی علمی)، ستاره فرمانفرمائی (کنشگر اجتماعی و بنیانگذار دانش مددکاری اجتماعی نهادی و آسیب شناسی و بخصوص "زنان ویژه" در ایران)، غلامحسین مصاحب، پرویز ناتل خانلری، ابوالقاسم گرجی، سید جعفر شهیدی، حمید عنایت، خداداد فرمانفرمائی، محمدعلی مجتهدی گیلانی، محمد خزائی (موسس انجمن ملی هدایت و حمایت نابینایان ایران و نیز محقق و مدرس)، حسینعلی البرز (واقف و مؤسس بنیاد فرهنگی البرز)، فضل اله رضا، محسن هشترودی، کاظم معتمدنژاد (موصوف به

پدر علم ارتباطات در ایران)، منوچهر فرهنگ (گاه موصوف به پدر علم اقتصاد در ایران و نویسنده ادیب فرهنگ علوم اقتصادی)، هما زنجانی زاده، فضل اله رضا، عنایت اله رضا، هوشنگ منتصری، حسین پیرنیا، محمدحسین تمدن، هوشنگ طالع، حمیددهیم، منوچهر حقیقی، صدیقه دولت آبادی، فرهنگ ارشاد، توران میرهادی. حسین شکویی، علی اکبر ترابی (راه اندازی درس جامعه شناسی در دانشگاه تبریز)، ابراهیم بنی احمد (ادامه دهنده درس جامعه شناسی در دانشسرای عالی)، سیدحسین نصر، علی شریعتمداری، علیرضا یلدا)، استاد پزشکی و چهره الگو در اخلاق پزشکی)، غلامحسین شکوهی، امیرحسین آریانپور، علیمحمد کاردان، غلامعباس توسلی، جمشید بهنام، فیروز توفیق، محمود روح الامینی، داود لویان، ولی اله اخوت، محمود منصور، مرتضی نصف، پریخ دادستان، پروین کدیور)، روانشناسی تربیتی و اخلاق و شخصیت)، محمد جعفر جواد (جامعه شناسی آموزش و پرورش و آموزش و پرورش تطبیقی)، باقر ثنائی، شکوه نوابی نژاد، علی اکبر سیف، فرهاد صبا، مهدی شیخیان، بدری مقدم، علی تقی پور ظهیر، فریدون بازرگان دیلمقانی، سکندر امان الهی بهاروند، محمد نقی براهنی، میرعبدالحسین نقیب زاده جلالی، مصطفی محقق داماد، احمد بیانی، نادرقلی قورچیان، حیدرعلی هومن، محمد عبدالهی، محمود مهرمحمدی، خسرو باقری، علیرضا کیامنش، حسین سرایی، یوسف کریمی (روانشناسی اجتماعی) عمر اطمیشی، هاشم فردانش، مسعود چلبی، ناصر فکوهی، منوچهر محسنی، حسین سراج زاده، بیژن زارع، محمد امین قانع، راد، حسین ابو الحسن تنهایی، حسین کچویان، هوشنگ نایی، موسی عنبری و جعفر سخاوت.

بعدتر دانشگاهیانی که احتمالاً به اثرگذاری غیرصریح و ارائه بدیل نظری و عملی -و گاه برنامه -از راه هنر معتقد بودند به رسانه کتاب و تدریس در دانشکده ها و تئاتر سینما و موسیقی یا کار مطبوعات و انتشارات و تاسیس دوره ها و دانشکده ها روی آوردند. چندنسل اهل قلم، روشنفکران، پژوهشگران و مقاله نویسان، هنرمندان و روزنامه نگاران دیگری را (که بعد از مشروطه تاپیش از انقلاب اسلامی و بعضاً در سالهای پس از انقلاب اسلامی هم فعال بودند) و به حوزه عمومی هم نظر داشتند؛ می توان افزود: عبدالحسین صنعتی زاده (پدر رمان تاریخی و آرمانشهر نویسی در ایران و نویسنده رمان مجمع دیوانگان)، سید مرتضی مشفق کاظمی (نویسنده تهران مخوف)، سیدمحمدعلی جمال زاده، حسن مقدم (نویسنده نمایشنامه جعفرخان از فرنگ برگشته -از نخستین نمونه های نقد غرب زدگی در ایران)، شهناز آزاد (فرزند حسن رشیده و ناشر نشریه نامه بانوان در سال ۱۲۹۹)، حسین گل گلاب، خانابا معتضدی (نخستین فیلم بردار حرفه ای و نیز نخستین سازنده فیلم مستند)، ابوالحسن غفاری نقاش معروف به صنیع الملک، محمدعلی فروغی، محمدعلی جمال زاده، (رمان نویس و منتقد خلیقات ایرانیان)، محمد غفاری معروف به کمال الملک (برادرزاده ابوالحسن غفاری)، ابوالحسن صدیقی، روح اله خالقی، یوسف اعتصام الملک، تقی رفعت، سیدمحمدرضا کردستانی معروف به میرزاده عشقی، محمد فرخی یزدی (شاعر، سیاستمدار)، محمدتقی بهار (شاعر، ادیب و سیاستمدار)، ایرج میرزا (شاعر و منتقد بخشی از فرهنگ و سنت ها)، پروین اعتصامی (شاعر ترقی خواهی برپایه اصالت فرهنگی ایران)، محمدحسن شریعت سنگلجی (تجدید رویکرد به بخشی از عقاید شیعه و از شاگردان شیخ هادی نجم آبادی)، شیخ عباس قمی (گردآورنده و تدوین کننده کتاب مفاتیح الجنان)، علی پاشا صالح (موسسه وعظ و خطابه)، علی اسفندیاری معروف به نیمایوشیج، زین العابدین رهنما، علامه محمد قزوینی، علی اکبر دهخدا، حبیب یغمایی، عبدالحسین سپنتا، عبدالحسین صنعتی زاده، موسی نثری همدانی، صادق هدایت، احمد فردید، تقی ارانی، علی دشتی، پروین اعتصامی، احمد کسروی، علی اکبر حکمی زاده، خلیل ملکی، احسان طبری، محمدعلی خنجی، سیدحسین فاطمی، محمدمسعود، فخرالدین شادمان، احسان نراقی، بزرگ علوی، عبدالرحمن فرامرزی، مهرداد مهرین، جلال آل احمد، سیمین دانشور، ابراهیم گلستان، صادق چوبک، سعیدنفیسی، عبدالحسین زرین

کوب، شهریار (محمدحسین بهجت تبریزی)، فریدون مشیری، احمدشاملو، محموداعتمادزاده (به آذین)، رضا براهنی، مهدی اخوان ثالث، سهراب سپهری، فروغ فرخزاد، محمدرضا شفیعی کدکنی، سیمین بهبهانی، نادر نادر پور، سید مجدالدین میرفخرایی، غلامحسین ساعدی، علی اصغر حاج سید جواد، یحیی آرین پور، کاظم عمادی، عنایت اله رضا، حسینقلی مستعان، ناصرالدین صاحب الزمانی، علیقلی بیانی، محمد قاضی، ایرج پزشکزاد، فخرعظمی ارغون، عالمتاج قائم مقامی متخلص به ژاله شاعره ایرانی (مادر حسین پژمان بختیاری شاعر)، هوشنگ ایرانی، ژاله اصفهانی (شاعره ایرانی)، احسان یار شاطر، الکساندر سولژنیتسین، سپیده کاشانی، منیرشاهرودی فرمانفرمائیان (از گردآورندگان هنرهای مردمی، اهل ایران)، حسین مسرور، ابراهیم یونسی، احمد سمیعی، غلامرضا کیوان سمیعی، علیمحمد افغانی، حسن هنرمندی، احمد محمود، محمود دولت آبادی، محمد محمد علی، نادر ابراهیمی اسماعیل فصیح، احسان یارشاطر، محمدخزایی، حسن شهباز، مصطفی حسینی طباطبایی، نصرت اله نوح، ابوالقاسم حالت، ابوتراب جلی، کیومرث صابری فومنی (گل آقا)، شمس الملوک مصاحب، مهرانگیز منوچهریان، مجید تهرانیان، فرامرز رفیع پور، اسماعیل عجمی، جواد صفی نژاد، احمدشرف، ناصر وثوقی، فیروز توفیق، مهر انگیز کار، مستوره اردلان، ابوالقاسم امامی، اکبر رادی، فیروزشیروانلو، مهدی آذری یزدی، سروژ استپانیان، منوچهر صبور، کاشانی، باقرپرهام کارو (کارایت دردریان)، منوچهرآتش، مفتون امینی، یداله رویایی، نصرت رحمانی، شمس لنگرودی، گوئل کهن، مرتضی راوندی، فرهاد ناظر زاده کرمانی (نظریه های نمایش)، پرویز شهریار، فریدون رهنما، هژیر داریوش، مرتضی کتبی (روانشناسی اجتماعی جامعه شناسی و رمان نویس)، مهدی امانی، حبیب اله زنجانی، محمد میرابی، باقر ساروخانی، محمود روح الامینی، محمد اسعد نظامی ناو، محسن ثلاثی، منوچهرآشتیانی، داورشیخاوندی، منوچهر صبور، کاشانی، تقی آزاد ارمکی، غلامعلی افروز (آموزش کودکان استثنایی)، حسین بشیریه (علوم سیاسی)، احمد احرار، ابراهیم صفایی، حیدر رقابی، هوشنگ کاووسی، سهراب شهید ثالث، منوچهر طیب (ابداع در مستندسازی محققانه و فاخر)، ناصر تقوایی، بهرام بیضایی، فرخ غفاری، داریوش مهرجویی، عباس کیارستمی، اکبر عالمی، مصطفی اسکویی، مهین اسکویی، حمید سمندریان، مسعود کیمیایی، علی حاتمی، امیر نادری، خسرو سینایی، پرویز کیمیایی، پرویز صیاد، حسین پناهی، مصطفی رحیمی، داریوش آشوری، هوشنگ سیحون (معروف به پدر معماری نوین ایران)، محسن فروغی (متخصص تلفیق معمادی ایرانی و مدرن - فرزند محمدعلی فروغی)، حبیب گودرزی (معمار و شهرساز)، منوچهر ایرانپور (معمار) بهاء الدین حسام زاده (معروف به بازارگادی معرفی مکتب ها و اندیشه ها)، مهدی گلشنی، محمدتهامی نژاد، آیدین آغداشلو، جمال امید، شاهرخ رفیع، گریگور یقیکیان، ژوزف واعظیان، آرامائیس آقامالیان، ساموئل خاچیکیان، زاون قو کاسیان، ژیل سازگار، پرویزنوری، محمدعلی سپانلو، عباس پهلوان، خسرو گلسترخی، علی اصغر ضرابی، نعمت اله جهانانویی، محمدعلی همایون کاتوزیان، سیدجواد طباطبایی، منصوره اتحادیه، شهلا اعزازی، ژاله شادی طلب، جلیل ضیا پور (از بانیان نقاشی مدرن و نیز پژوهشگر)، هوشنگ وزیری، کاظم ودیعی (از مروجان نهضت تعاون)، غلامرضا حیدری (از مروجان نهضت تعاون)، موسی غنی نژاد، ابراهیم رزاقی، سعید لیلان، فرشاد مومنی، غلامرضا علیزاده (از تحلیلگران اقتصاد و تعاون)، حمید انصاری (از تحلیلگران اجتماعی و تعاون)، عزت الله سام آرام (مددکاری اجتماعی)، بهمن مشفق آرائی (تربیت معلم)، عبدالعظیم کریمی، مرتضی فرهادی (جامعه شناس)، ذبیح اله منصوری (یکی از پرمخاطب ترین ژورنالیست های ایران)، مرتضی ممیز (پدر هنر گرافیک ایران)، مصطفی فرزانه، پرویز تناولی، ناصر هوشمند وزیری (مجسمه ساز و موسس غارموزه وزیری)، فرشیدمثنالی، قباد شیوا، علی اصغر محتاج، بهمن محصص، ایران درودی، محمود فرشچیان، ژاله طباطبایی، آربی آوانسیان، فرح اصولی، فرح نوتاش، اسماعیل مهترتاش، محمود استاد محمد، اکبر زنجانیوربیژن مفید، عباس جوانمرد، هانیبال الخاص، بهروز غریب پور، جواد ذوالفقاری، غلامرضا انصافپور، مهدی طالب، شهرنوش پارسا پور، جوادفاضل، حسن صدر، رضا همراه، عبدالله بهرامی، امیر عشیری، رسول ارونقی

کرمانی، رجب علی اعتمادی، پرویز قاضی سعید، سبکتکین سالور، عباس نعلبندیان، اسماعیل خلج، ابوالفضل شکوری (محقق در تاریخ)، محمدقائد، خسروناقد.

هنرهای مردمی مانند تئاتر روحوضی و نیز شاهنامه خوانی و تعزیه گردانی و نقاشی قهوه خانه ای و صدها نام و زمینه در این موضوع می توان پرداخت که نقد عفیف کلامی نجیبانه و نافذ داشتند. انتظار این بود که این هنرها بتواند به تسهیل ارتباط و تعامل برای ساخت یابی جامعه مهربان کمک کنند. بر عرصه طنز باید تاکید کرد: طنز پردازان مشهور صاحب سبکی از گذشته تاریخی چون عبید زاکانی منبع الهام بسیاری از هنرمندان بوده. همچنین حافظ شیرازی طنز ماندگار دارد. در دوره مورد نظر علاوه بر اثر ترجمه -تالیفی میزا حبیب اصفهانی نوشته جیمز موریه به نام حاجی بابای اصفهانی، طنزنویسان اثرگذار بعدی و دوره مشروطه و نشریه طنز ملانصرالدین، و نشریه نسیم شمال اشرف الدین گیلانی و طنز علی اکبر دهخدا چرند و پرند دخو؛ و در نسل بعد برادران توفیق (در نشریه پرتعداد توفیق)، نیز نشریه کاکا و نشریه بابا شمل و نشریه چلنگر و نشریه گل آقا (به سرپرستی کیومرث صابری فومنی) هم مطرح بوده اند.

از میان طنز پردازان خارجی اثرگذار به ترتیب معرفی شدن و شناخته شدن در زبان فارسی: حیوانی بوکاچیو، میگل دو سروانتس، بنیامین جانسون، پیر کرنی، ژان راسین، مولیر (ژان باتیست پوکلن)، جرج برناردشا، جاناتان سویت، چارلی چاپلین، آنتوان چخوف، مارک تواین، عزیز نسین، کارل بارکس (کارتونیست، نویسنده و نقاش اهل ایالات متحده آمریکا و خالق شخصیت کارتون اسکروج مک داک)، ویل کاپی، وودی آلن، آرت بوخوالد، وسینکلر لوئیس را (که نمایش نامه نویسی با طنز تلخ است) می توان نام برد.

در مورد ساخت یابی وفاق اجتماعی به کوشش برای وفاق و وحدت دینی اشاره می شود. برای جلوگیری از تبدیل تمایزها و اختلاف های به تعارض و جنگ در طول قرن ها تاریخ سیاسی، یک بدیل آزموده انگیزه ی اراده ای سیاسی (مثلا کورش هخامنشی و داریوش در ایران قبل از اسلام، و در ایران پس از اسلام اکبر شاه پادشاه هند، و نادرشاه در ایران) بوده که تا مدتی کارآمدی داشته و گونه ای وفاق هنجاری (و نه لزوما وفاق تفاهمی)، و صلح و تعامل اجتماعی گرچه ناپایدار و شکننده برقرار می کرده است. بدیل دیگر راه تصوف و عرفان بوده که در دو شاخه وحدت وجودی (عرفان ابن عربی) و وحدت شهودی (عرفان مولوی) و بر نظام فرهنگی و نظام تعاملی و طرحواره های شخصیت و الگوهای زندگی ایرانی و فکر و روان ایرانیان -هم بر نخبگان و هم بر مردمان- اثر گذاشته. بدیل امروزی سکولار و لیبرال است و سازمان های بین المللی بینا منطقه ای و جهانی و اسناد و کنوانسیون های پرشماری را در بر می گیرد.

کسانی مانند محمود افشار سیستانی، ایرج افشار سیستانی، ابراهیم پورداوود، احمدخان ملک ساسانی (مورخ و دیپلمات)، محمد معین، بهرام فره وشی، صادق کیا، غلامحسین صدیقی، فتح اله مجتبابی، شاهرخ مسکوب، ابراهیم باستانی پاریزی، فریدون آدمیت، منوچهرستوده، ذبیح الله صفا، سیدجعفر سجادی، محمدعلی موحد، بدیع الزمان فروزانفر، حمید عنایت، مهدی محقق، جوادفلاطوری، رضادآوری، داریوش شایگان، غلامحسین صدری افشار، غلامحسین دینانی، غلامرضا اعوانی، علی بلوکباشی (به قولی پدر مردم شناسی آکادمیک ایران)، نصراله پور جوادی، جلال ستاری، محمد دبیرسیاقی، ضیاء موحد، بدر الزمان قریب، عزت اله فولادوند، ابوالقاسم پاینده، محمود رامیار (تاریخ قرآن)

۱ با کارل مارکس اشتباه نشود.

محمدجواد مشکور، جلال خالقی مطلق، استفان پانوسی، محمدجعفر پاک سرشت، هادی شریفی، مسعود صفایی مقدم، احمد بهشتی، احمد احمدی ملایری، سعید بهشتی، عبد اله توکل، شجاع الدین شفا، سلیمان حیی، قاسم صنعوی، اسماعیل سعادت، ابوالحسن نجفی، منوچهر آریانپور، احمد سمیعی، نجف دریا بندری، رضا سید حسینی، ابوالقاسم انجوی شیرازی، محسن ابوالقاسمی، ایران کلباسی، یداله ثمره، بهروز ثروتیان، ژاله آموزگار، علی اصغر حلبی، منوچهر صدوقی سها محمد حجازی، هاشم رضی، منوچهر خدایارمجبی، منوچهر انور، رضا اقصی، حسن مرندی، عباس زریاب خویی، اسماعیل دولتشاهی، احسان اشراقی، صادق آئینه وند، میرجلال الدین کزازی، جهانگیر افکاری، باقر عاقلی، علی اکبر بامداد، پروانه **آبراهامیان**، داریوش فرهود، عبدالمحمد آیتی، عباس حری، کامران فانی، بهاءالدین خرمشاهی، حسین معصومی، علی رضا ذکاوتی، عبدالحسین آذرنگ، شهریار زرشناس، پرویز اذکایی (تاریخ)، عطاءاله مهاجرانی (سیاستمدار و نویسنده)، سید عباس معارف، محمد رضا جوزی، محمد رنجبر، علی لاریجانی، احمد مسجد جامعی، محمد مددپور، رضا سلیمان حشمت، شهرام پازوکی، اسماعیل بنی اردلان، بیژن عبدالکریمی، علی اصغر مصلح، یوسفعلی میرشکاک، یداله مهرعلی زاده، سید منصور مرعشی، حمیدرضا علوی، اسکندر فتحی آذر، حسین سپاسی، عبدالله پارسا، عیسی ابراهیمزاده، محمدجعفر پاک سرشت، نعمت الله عزیزی حجت اسدیان در فلسفه و علوم انسانی (از جمله در تاریخ و زبان و فرهنگ) کارکرد و نقش ایفا کردند.

مسیر دیگر بررسی مسایل دو قرن اخیر ایران بررسی سهم "مصلحان" مذاهب (مثلا سیدجمال اسدآبادی، محمد عبده، محمد اقبال لاهوری، ...) بوده که برنخبگان اثر محسوس به جای گذاشت اما گسترش مردمی کافی نداشت. در ایران پیش از مشروطه از علمایی که در حد مرجع عام شیعیان بوده باشند ظاهراً فقط آخوند خراسانی (محمد کاظم) که مقبول همگان هم بود در رفع اختلاف شیعه و سنی آشکارا کوشید. در قرن بیستم خلافت عثمانی گاه از فکر وحدت همه مسلمین برای مقابله با رقیبان و دشمنان غربی خود بهره برداری می کردند.

چون خلافت عثمانی برچیده شد ترکیه مشی سکولار و دوستی با ایران را در پیش گرفت. بعدتر شیخ محمود شلتوت مصری رهبر مقبول اهل تسنن در مصر و آیت اله محمد حسین بروجرودی مرجع عام شیعی در ایران سران با نفوذ جریان های اصلی مذهبی بودند که مکاتب فقهی یکدیگر را هم رسماً پذیرفتند و هم ارج نهادند. در این مسیر بعضی کنشگران برای دستیابی به بدیلی با انگیزه ها و زمینه وفاق تفاهمی شامل طرحواره های مشترک و صلح مدارانه بین الادیان هم کوشیده اند (مانند موسی صدر روحانی اعزامی ایرانی که در لبنان به اقتضای عرف محلی به امام موسی صدر موصوف و مشتهر شد).

دردوره زمانی مورد نظر طیف وسیع حوزه های فرهنگی دینی و اجتماعی - با تفاوت ها و تمایز های بسیار در اندیشه ها - بعضی جهتمندی سکولار و بیطرفی علمی مصطلح در آن زمان را در پیش می گرفتند و بعضی هم احتمالاً به سبب انسداد سیاسی و در غیاب رسمیت یا وضوح و شفافیت تفکر سیاسی و نبود تشکیلات سیاسی رسمی غالباً گرایش و جهت مندی دینی - سیاسی داخلی و با رویکردهویت جویی، مشی استقلال و آزادی و عدالت را مطرح می کردند و به جستجوی طرح بدیل نظری و گاه بدیل عملی به بررسی دلالت ها معنا و تفسیر موضوعاتی اجتماعی فرهنگی تاریخی می پرداختند و تاثیر گذار بودند.

بعضی نام ها و چهره های دیگر به ترتیب زمانی معرفی شدندشان در زبان فارسی و تاثیرات مستقیم و نامستقیم احتمالی آن ها عبارتند از: ملا اسحاق لاله زار همدانی و امیل نریه (این دوتن به توصیه کنت دوگوبینو اولین مترجمان فلسفه دکارت به فارسی بودند)

،سرجان ملک، الکساندر دوما، افضل الملک (او نیز کتاب گفتار در روش به کاربردن عقل اثر دکارت را از ترکی به فارسی درآورد اما منتشر نکرد) ، ژان ژاک روسو (گرده برداری طالب اف از کتاب امیل روسو در کتاب احمد دیده می شود. همچنین بعد ها کتاب مهم دیگر روسو قرارداد اجتماعی هم ترجمه شد.)، احمدخان دریاییگی (اولین مترجم دکامرون اثر جیوانی بوکاجیو)، امانوئل کلنت ، فردریک هگل، سیدحسن تقی زاده، حیدرخان عمواعلی، ستارخان، باقرخان.

در مورد موسیقی: علی اکبر شیدا، ابوالقاسم عارف، غلامحسین درویش (معروف به درویش خان) ، علی اکبر شهنازی ، غلامحسین مین باشیان ، علینقی وزیری و روح اله خالقی (این شخصیت ها کوشیدند محتوای موسیقی و تصنیف را از انقیاد درباری بودن یا تفنی بودن رها کنند و هم چنین کاربردهای اجتماعی موسیقی ایرانی را بگسترند). از مورخان موسیقی به این نام ها اشاره می شود: مهدی برکشلی حسن مشحون مهدی فروغ- علی سامی- محمد دامادی -حسین خدیو جم .

محمدحسین طباطبایی (علامه) ، عبدالحسین امینی نجفی مشهور به علامه امینی (صاحب الغدیر)، شیخ آقابزرگ تهرانی (صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه و طبقات أعلام الشیعه)، مهدی الهی قمشه ای ، احمدخوانساری، بهاءالدین محلاتی، سیدمرتضی عسکری (معروف به علامه عسکری) ، مرتضی مطهری، عبد الهادی حائری ، محمد جواد باهنر، محمد مفتاح، سیدهادی خسروشاهی، سید علینقی فیض الاسلام صاحب مشهورترین و رایج ترین ترجمه مفصل نهج البلاغه به فارسی. پیش از او عزالدین آملی در قرن دهم کتاب الشرح الصغیر لنهج البلاغه یا المأه کلمه لنهج البلاغه/ اثر ابن میثم بحرانی یا بحرینی را که در گذشته ی به سال ۶۷۹ ق است ترجمه کرده بود اما در دسترس همگان نبود. علی اصغر فقیهی (محقق و ویراستار توضیح المسایل و رساله های عملی برای مراجع دینی)، محمدمحیط طباطبایی، سحابی ها (پدر و پسر)، سیدکاظم شریعتمداری ،ناصرمکارم شیرازی، غلامحسین جمی، جعفر سبحانی تبریزی، اکبرهاشمی رفسنجانی، عبدالکریم هاشمی نژاد، سیدمحمد مهدی بجنوردی، حسین نوری همدانی، محمدجواد حجتی کرمانی، علی دوانی (رجبی)، ابراهیم امینی، جلال الدین فارسی ، محمد تقی مصباح یزدی، علی اکبر پرورش، علی گلزاده غفوری، احمدآذری قمی، علی اصغر مروراید، نعمت اله صالحی نجف آبادی، عطاءالله اشرفی اصفهانی، روح اله خاتمی، محمد یزدی، روح اله کمالوند، سید جلال الدین طاهری حسین آبادی، محمدکفعمی خراسانی، منیره گرجی، سید عبدالحسین دستغیب شیرازی، محمدصدوقی، میراسدالله مدنی دهخوارقانی، ابوالقاسم خزعلی ، حسینعلی راشد، محمد تقی فلسفی، محمدرضا حکیمی، محمدتقی جعفری (مشهور به علامه) ، مهدی بازرگان، محمدنخشب، کاظم سامی، محمد تقی شریعتی، سیدصدرالدین بلاغی، محمدباقر بهبودی، علی شریعتی، سیدمحمدحسین بهشتی، سید محمود طالقانی، امام موسی صدر، سیدرضا صدر، محمدصادق روحانی، سیدجعفر شهیدی ، حبیب اله پیمان، محمود حکیمی، حسن توانائیان فرد ، عطاءاله شهاب پور، ابراهیم حسن حبیبی ، سیدحسن امین، غلامرضا سعیدی، اکبر ثبوت حسین بشیریه ، غلامعلی حدادعادل، عبدالکریم سروش ، سید منیرالدین حسینی (بنیانگذار آکادمی علوم اسلامی قم که خواهان اسلامی سازی علوم بوده است). از گروه نویسندگان نشریه های دینی درس هایی از مکتب اسلام و مکتب تشیع چاپ قم (تقریبا همه روحانی) هم نام ها پرشمار و در سپهر عمومی بسیار تاثیر گذار بوده اند. جمعی از صاحبان منبر و قلم و سخن و بیان پس از انقلاب هم در مناصب گوناگون و گاه حساس قرار گرفتند و بعضی هم به راه مألوف پیشین خود رفتند.

نام ها و چهره های بی که آثار کنش یا خاطره هایی از آن ها ماده و مایه فضای تخیل و یا آرزو و امید پروری قرار گرفت: کلنل محمدتقی پسیان، میرزا کوچک خان، شیخ محمد خیابانی، یورگن کرشنشتاینر، فردریک نیچه، ویلیام شکسپیر، هنری فیلدینگ، ویکتور هوگو، جان اتان سویت (نویسنده ماجراهای گالیور)، لئو تولستوی، آنتوان چخوف وینستون چرچیل، فرانکلین روزولت، هانس کریستین اندرسون، جرجی زیدان، توماس ادیسون، گراهام بل، برادران لومیر، آلبرت انشتین، امیل دورکیم، زیگموند فروید، برناردشا، آنتول فرانس، ماری آنری بیل معروف به استلندال، گوستاو فلوربر، اقبال لاهوری، مهاتما گاندی، جواهر لعل نهرو، محمد علی جناح (از همراهان گلندی در مبارزات استقلال خواهانه شبه قاره هند و نیز بنیانگذار کشور جمهوری اسلامی پاکستان)، احمد قندچی، آذر (مهدی) شریعت رضوی و مصطفی بزرگنیا، سه چهره اخیر به شهدای دانشجو مشهور شدند)، جمیله بوپاشا (مبارز مقاوم و نامدار الجزایری)، غلامرضا تختی (معروف به جهان پهلوان و الگوی همچنان محبوب چند نسل)، منوچهر قراگزلو (کمک به نهادهای سازی تربیت بدنی و ورزش و راه اندازی فدراسیون ورزشی و نیز پشتیبانی نهاد سازی علمی و تکمیل انستیتو پاستور)، داک هامر شولد (دبیر کل محبوب و مقتول سازمان ملل که در جهان سوم به سبب تقلای عادلانه در حل منازعه کنگو محبوب و مشهور شد)، هلن کلر، فلورانس نایتینگل، آلکسیس کارل، جواهر لعل نهرو، ژوزف بروز تیتو، شارل دوگل، ارنستو چه گوارا، سالوادور آلنده، برتراند راسل، سیمون بولیوار، آبراهام لینکلن، جمال عبد الناصر، سون یاتسن، احمد سوکارنو، مائوتسه تونگ، فیدل کاسترو، احمد بن بلا، قوام نکرومه، پاتریس لومومبا، مارتین لوتر کینگ، سیریمو راتواته دیاس باندارا نایکه (اولین نخست وزیر زن در جهان)، ایندیرا گاندی، حسن البنا، ابو الاعلاء مودودی، سید قطب^۱، محمد باقر صدر (نویسنده کتب فلسفه ما و اقتصاد ما)، هانری کرین، آندره کرسون، لویی ماسینیون، ژرژ گوروچ، ژاک برک، آلدوس هاکسلی، چارلی چاپلین کورتز، مالاپارته، نیکوس کازانتراکیس، کنوت هامسون، سمیر امین، توفیق الحکیم، جان لنون، جبران خلیل جبران، توماس کارلایل، ساموئل زویمر، عمر فروخ، لوئیس شیخو، هنری لامنس، اسوالد اشپنگلر، آرنولد توینی، گئورگی پلخانف، آنتولی لوناچارسکی، نیکلای بردیایف، ژان پل سارتر، ویل دورانت، مارتین هایدگر، جرج ارول، میخائیل شولوخوف، آلبرت شوابتر، جان اشتاین بک، ارنست همینگوی، جک لندن، چارلز دیکنز، هواردفاوست، جرج ارول، گراهام گرین، هرمان هسه، توماس مان، گونتر گراس، رمون آرون، گابریل مارسل، کارل یاسپرس، سیمون دوبوار، برتولت برشت، کارل گوستاو یونگ، اریک فروم، آلکسیس کارل، کارن هورنای، آلفرد آدلر، پابلو نرودا، یان ریتسوس، پل الوار، آرتور کستلر، لویی آراگون، محمود درویش، آلبر کامو، فرانز فانون، امه سزر، آنتونیو گرامشی، توشیهیکو ایزوتسو، کاتب یاسین، عمر اوزگان، ادوارد سعید، حسین العطاس، محمد نقیب العطاس (هوادار بومی سازی علوم انسانی و صاحب نظریه مخالف نظریه حسین العطاس)، سورن کیرکگارد، کارل پوپر، هانا آرن، آنتونیو گرامشی، صاحب نظران مکتب فرانکفورت (تئودور آدورنو، والتر بنیامین، اریک فروم، ماکس هورکهایمر، هربرت مارکوزه، یورگن هابرماس). در طیف هایی دیگر ژاک دریدا، ژان بودریار، السدایر مک اینتایر، مایکل والتزر، چارلز تیلور، جان رالز، آیزا برلین، آمارتیا سن، جان لنون، باب دیلن، شل سیلورستاین، مارتین لوتر کینگ، جمال البنا، محمد الطالبی، هشام شرابی، محمد عماره، محمد سعید العشماوی، حسن حنفی، طه جابر العلوانی، محمد شحرور، فاطمه مرنیسی، طه

۱ حسن البنا، ابو الاعلاء مودودی، سید قطب تحت تاثیر فضای جهانی و زمانه که دوگانه سرمایه داری و کمونیسم هریک برای استقرار الگوهای بدیل زندگی بشر در کشاکش بودند، اثبات تمایز و برتری روایت تمامت خواهی مورد نظر خود بر بدیل های دیگر را وجهه تاکید و تقلای خود قراردادده بودند.

عبدالرحمن، نلسون ماندلا قراردادارند. همچنین این چهارتن در نقد فرهنگ و تاریخ اسلام: هشام جعیت، عبداله عروئی، طاهر لیبب جدیدی، احمد طاهر ابراهیمی.^{۱۰}

نیز از موسسات انتشاراتی دینی در قم و مشهد که بعد از شهریور ۱۳۲۰ تاسیس یا احیا شدند و به کانون هایی مانند پرورش فکری نوجوانان و نیز کاخ جوانان از دهه چهل به بعد هم باید یاد کرد. در کنار فلسفه و علوم انسانی رایج و رسمی دانشگاهی پژوهشندگانی هم مانند، سیدجلال آشتیانی، شرف الدین خراسانی، سیدعبداله انوار، منوچهر بزرگمهر، علیمیراد دادودی، محمدحسن لطفی، رضا کاویانی، عزت اله فولادوند، شمس الدین ادیب سلطانی، سیدمحمد خامنه ای، محسن جوادی، شهرام پازوکی، عباس زریاب خویی، کاظم عمادی، فؤاد روحانی غلامحسین آهنی و منوچهر صانعی دره بیدی به معرفی آثار فلسفی - از راه ترجمه شرح و نقد و حاشیه نویسی و گاه تالیف - پرداختند

طیف های دیگری از آموزش و پرورش بدیل را هم باید یاد کرد: طرحواره ها و الگوهای بدیل (رادیکال یا اصلاح طلب) در پی آن است آنچه را که آموزش غالب و معمول و مرسوم به نسل آینده نمی دهد فراهم کند. مثلاً شیخ قاسم اسلامی روحانی بود و جامعه تعلیمات اسلامی را در ایران بنیانگذاری کرد. محمد بهمن بیگی نویسنده و درعین حال از بنیانگذاران آموزش عشایر در ایران بود. به مکارنکو اوکراینی-روسی، جان دیویی امریکایی و پیازه در سویس و کولبرگ ویگوتسکی شاتسکی در روسیه و ماریو مونتسوری ایتالیایی و هم چنین سبک مدارس معروف به والدورف و نیز شیوه آموزشی و تربیتی پائولو فریر برزیلی و ایوان ایلچ (فیلسوف و کشیش مستعفی اطریشی و بنیانگذار مدارس باز سیدوک در مکزیک) و ژیل دولوز می توان اشاره کرد. آنان به تفاوت چگونگی ارتباط موثر (صمیمی، شخصی و واقعی) و ادبیات کودکان و آموزش معنادار و متناسب با انس هستی شناختی و اصالت و تمامیت زندگی آنان توجه کردند. در ایران علاوه بر باغچه بان، عباس یمینی شریف، صدیقه دولت آبادی، صمد بهرنگی، توران میر هادی، رضا رهگذر، علی اشرف درویشیان، مصطفی رحماندوست و ده ها نام دیگر به این عرصه دلبستگی داشتند.

ضروری است که به بررسی فرایند و نتایج تحقیقات و فعالیت غربیانی که وارد ایران شده اند (باستان شناسان، خاورشناسان، ایران شناسان یا نمایندگان دول اروپایی، دیپلمات ها و جهانگردان) و چگونگی تاثیر گذاری آنان بر شناخت ایرانیان از تجدید نسبت با هویت، خود و خودآگاهی و با انس هستی شناختی و اصالت و تمامیت زندگی ایرانیان در جای مناسب پرداخته شود. این نام ها قابل ذکرند: سرپرسی سایکس، کنت دو گوینو، پیر آمدی امیلین پروب ژوبر، سرهنری لاوینسون، ژاک دمورگان، واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد (ایران شناس روسی - آلمانی)، ایگناس گلد زیهر، رومن گیرشمن، ارنست هرتسفلد، ادوارد زاخاو، والتر هنینگ، مری بویس، تئودور نولدکه، (محقق در تاریخ قرآن) آرتور اپهام پوپ، برنارد لوئیس، پیتز آوری، ریچارد اتینگهاوزن، برتولد اسپولر، ناسیواگامی، الکساندر یولدیروف، گیوسپی توچی، پیر حسام الدین راشدی، آیدین صایلی، بابادزان غفوراف، فرتیز مایر، گروشماد، گئورگ مورگنشترنه، انور الجندی، ولادیمیر مینورسکی، کانستانتین اینوستراتنسف، میخائیل میخائیلویچ دیاکونوف، نورتراف فرای، آرتور کریستن سن، رومن

۱ جلال ستاری نظریه های این چهار تن را در کتاب در قلمرو فرهنگ معرفی کرده است.

گريشمن، عبد الرحمن البدوي، ادوارد گرنویل براون، آن کاترين لمبتون، فؤاد سزگين، حامد الگار، يوهانس دوبروين، لارنس پائول، هنريک ساموئل نوپري معروف به هنريک سموئل نيبرگ (خاورشناس و ايران‌شناس سوئدي و متخصص ادیان باستانی ايران)، گتو ويدن گرن ايران‌شناس و زبان‌شناس سوئدي متخصص زبان‌های باستانی ايران)، ورنر زوندرمان، الول ساتن .

کسانی که باستان‌شناسی در ايران را پایه‌گذاری يا پيگيري کردند: مهدي بهرامی، عزت الله نگهبان، صادق ملک زاده شه‌ميرزادی، شهریار عدل، فیروز باقرزاده، مسعود گلزاری، عبدالمجید ارفعی (متخصص در شناخت عیلامیان باستان و هخامشیان و خط میخی)، محمد رحيم صراف، حسن طلائی مغانجوقی، احسان (اسماعيل) یغمایی، محمد منصور فلاملیکی (مبانی مرمت)، باقرآيت الله زاده شیرازی (مرمت)، حسين آقاجانی (مرمت آثار).

متفکران در غرب و اثرگذاری بر جریان‌های فکری ايران: سن توماس، دانت آلی گی یری، نیکولو ماکیاوولی، دسیدریوس اراسموس، ژان آموس کمینوس، شارل لویی دو سکودتا مونتسکیو، باروخ اسپینوزا، توماس هابز، هوگو گروتیوس، ژان-ژاک روسو، جان لاک، دنيس دیده رو، کلود آدرين هلوئیوس، دیوید هیوم، امانوئل کانت، گئورگ ویلهلم فریدریش هگل (ایده‌آلیست مطلق دیالکتیکی)، شارل فوریه، یوهان گوتلیب فیخته، فردریش ویلهلم جوزف فون شلینگ یکی از سه چهره فلسفه کلاسیک ایده‌آلیسم آلمان)، اوگوست کنت، جان راسکین، کارل مارکس، پیرژوزف پرودن (منتقد سرمایه‌داری و همچنین منتقد مارکس)، میخائیل باکونین، سیلیویو گزل، ژرژ سورل، بنجامین تاگر، کوین کارسون، جان استوارت میل، جرمی بنتام، دوتوکویل، آرتور شوپنهاور، شلایر ماکر، فردریک نیچه، توماس یوهان هانریش پستالوزی، فردریش فروبل، یوهان فردریش هربارت، دیوید تورو، توماس کارلایل، تولستوی، ماکس شلر، ویلهلم دیلتای (او و ماکس وبر نقش اساسی در تاسیس جامعه‌شناسی تفهیمی داشتند)، گئورگ زیمل، یورگن کرشنشتاینر، ادموند هوسرل، ویلیام جیمز، امیل دورکیم جرج هربرت مید، زیگموند فروید، رابیندرانات تاگور، کارل گوستاو یونگ، اتوکالاینبرگ، ویلیام آگبرن، فرانسیس نیمکف، آلفرد آدلر، جان دیوئی، هربرت بلومر، فرنلند برودل (تاریخ‌نگاری به روش لئال)، مایکل پولانی، فرانتس فانون، ژوزف شوومپتر (اقتصاددان نهادگرا و صاحب نظریه کارآفرینی)، هربرت مارکوزه، ویکتور فرانکل، کارل راجرز، اریک فروم، کارن هورنای، جولین راتر، ابراهام مزلو، آلبرت بندورا، اریک اریکسون، ژان پیاژه، لارنس کلبگ، بتی فریدان (فمینیست)، کارول گلیگان، جیمز رست، نل نادینگز، نوربرت الیاس، ریچارد رورتی، ایلینا پریگوژین، زیگمونت باومن، امانوئل لویناس، ژیل دلوز، ساموئل هانتینگتون، المو و وربا، فوکو یاما، برنار لوتیس، جوزف نای، مانوئل کاستلز، ادوارد سعید، هومی بابا، لوی اشراوس، یوهان گالتونگ، همچنین مکاتب علوم انسانی مشهور به پیشرفت گرایان (و نیز روانشناسی انسان گرا موسوم به نیروی سوم) .

اثرگذاری این نام‌ها و عنوان‌ها قابل بررسی است: امانوئل والرشتاین، تورستن ویلن، لوئی ماسینیون، هانری کوربن، ژیلبر لازار، ژان بودریار، ژاک دریدا، ریچارد رورتی، ژیل دلوز، نوآم چامسکی، لیندا زگزیسکی، کلب (نظریه چهار وجهی)، گابریل مارسل، موريس مرلوپونتی، ژان پل سارتر، کارل یاسپرس، گایاتری اسپیواک، آرتور اسکوبار، نلسون ماندلا. و نیز در دیدگاه‌های انتقادی ماندایوان ایلیچ (فیلسوف اطریشی) و پائولو فریر (صاحب‌نظر برزیلی) و بسیاری از اندیشه‌مندان نسل پسا ساختار گرا و نوپراگماتیست‌ها و صور و بدیل‌های پست مدرنیسم.

کنشگران هنری، یا فرهنگی، یا سیاسی و عقیدتی و اجتماعی ورزشی تربیت بدنی یا دانشگاهی در دوره زمانی مورد نظر به اثرگذاری اجتماعی و ارائه بدیل از راه بازخوانی گذشته و گاه با هنر، و با رسانه کتاب سخنرانی و خطابه و تشکیل گروه و سازمان یا فدراسیون تعاونی ها یا از راه مطبوعات نقد نویسی یا راه اندازی دوره ها و بنیادهای آموزشی و هنری و تدریس در دانشکده ها و تئاتر و سینما و رزش تربیت بدنی موسیقی یا کار مطبوعاتی و انتشاراتی و تاسیس ابزارآن پرداختند و تاثیر آن ها در معنا سازی هویتی فهم نیاز های خاموش و ب بیان دیل های فکری اجتماعی و سیاسی آموزشی سیاسی گاه همزمان بوده است.

نتیجه گیری

ممکن است مانند دورکیم میانجیگری و قبول داوری درونی و اعتبار قابل دسترسی بیرونی را پشت و روی یک سکه بدانیم. در این صورت می توان قدری امیدوار بود که امکان عقلی و نظری همکنشی و هم افزایی از طریق " ضرورت ادراک شده جمعی " و " اجتماعی شدن ادراک ضرورت " تاریخی زیر ساخت ها و بستری را نیز به دست خود مردم برای خود مردم و سازمان ها و نهادهای مسئول وجود دارد. بدیل تلفیقی و تفاهمی پدید آئنده ی کلانی به نام جامعه مهربان خواهد بود. در این صورت است مردم کنشگر خود را بخشی از مشکل و بخشی از راه حل تحولی امیدوارانه می یابند. مهربانی و دستاوردهای آن را دوست خواهند داشت و از " آن خود " خواهند یافت و مهربانی و صلح اجتماعی همزاد این فرایند است. از این قرار امکان سازگاری فعال و تعامل سازنده جامعه به مثابه متن منبع فرصت ها میدان تعامل و مبتدل رضایت بخش سرمایه ها فراهم می آید. ابداع طرحواره ها و بدیل های طرحواره ها و بدیل های عاقلانه و هنرمندانه، تعاملی است هم افزا در روند توانمند سازی بهسازی بدیل، ترمیمی و تکمیلی در دنیای موجود و ممکن (و نه فقط دنیا ایده آل و آرمانی). هم نظام فرهنگی و هم نظام تعاملی را باید در نظر داشت. شناخت کژکارکردی ها و تنظیم و ترمیم رابطه ناموزون بین ساختار و کنشگر توسط خبرگان، محرومان و محذوفان وحاشیه نشینان، و متخصصان، شهود هم اندیشان و امتزاج و ارتباط افق های واگرا و همگرای گروههای ذینفعان برای جامعه ای مهربان تر چگونه شکل می گیرد. نظام تعاملی بلید معنی ارتباط موثر و ملموس انعکاس دهنده نیاز خاموش و بغض خاموش در گلو مانده رانده شدگان و مسکنت زدگان و گناهکاران باشد تا آنها در تجربه زیسته ی شخصی لمس و باور کنند که کشور از آن هم هست و صدای بی صداها شنیده می شود. به این ترتیب هسته سخت موقعیت به قایقی تبدیل شده که در سیالیت و سیلان شناور می شود. همه و حریفان سر نشینان قایق شناور در رود این سیلانی اند. فردیناند دوسوسور می گوید: " در زبان فقط تفاوت ها وجود دارند ". می توانیم سخن فردیناند دوسوسور را ادامه دهیم که کنشگران قادرند انواع متفاوت نیازهای خود را به صورت غیر خشن ابراز کنند که یک جنبه مهم آن، بیان و ارتباط کلامی و نیز بازنمایی و بازشناسی و تمایز احساسات نزد خود کنشگر است. تصور خوش بینانه ارتباطی این است که در سطح ارگانیک فردی توجه فرودستان و فرادستان به امکان ارتقای ظرفیت های نظام فرهنگی و نظام تعاملی، موضوع نیاز به اعمال خشونت را منتفی می سازد و در بدیل مطلوب و از منظر تربیت مطلوب و چرخش فرهنگی پذیرفتنی باید خشونت را نیاز کاذب و غیر ضرور دانست. نیاز اصیل این است که حداقل استاندارد های آزادی کرامت انسانی و حداقل های معیشت چنان باشد که هیچ کس از جریان هستی اجتماعی و ارتباط موثر، چرخه گفتگو و قدرت انتخاب و تاثیر گذاری خارج شود.

آنچه در تربیت ضروری است اینکه موقعیت دشوار و پرمسئله و تعارض و ابهام حریفان، نهادها و مخالفان اندیشه و رقیبان را هم درک کنند و این درک از نوع یکی شدن با موقعیت و فراتر رفتن همه از خواسته ها و انتظارات و پیش فرض های اولیه است. این یکی شدن

با موقعیت همان آگاهی به ضرورتِ رها از یک بعدی بودن و رها از یکجانبه بودن و امکان آگاهی برون فردی و گاه فرافردی و یکه و تکین اصیل است. اما اگر اصیل (گشوده به انس هستی شناختی و اصالت و تمامیت زندگی) باشد مشترک و میان ذهنی هم هست. به این ترتیب آگاهی بینامتنی و میان ذهنی و ناب تر و امکان گفتگو به دست می آید. این نوبه نو شدن، آگاهی از نوع سیالیت و فوران و سیلان فهم مشترک ادراک و آگاهی بیناذهنی و سرمایه لازم برای پیوند یابی و ارتباط (یا آنچه زمینه و پیش نیاز گفتگو با فرهنگ ها و تمدن های دیگر هم توصیف شده است) و ساخت یابی جامعه مهربان می باشد.

منابع

- ذکاوتی، علی، فلسفه/جتماعی، انجمن ایرانی تعلیم و تربیت، ۱۳۹۰.
- رامین، علی، نظریه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی هنر، نشر نی ۱۳۹۰.
- زیبا کلام مفرد، فاطمه، ویتهد و تعلیم و تربیت، انتشارات حفیظ، تهران، ۱۳۸۸.
- سپهر، کیوان، یادو تجلیل خادمان کتاب، تهران نشر پرواز، ۱۳۶۹.
- ستاری جلال قلمرو فرهنگ تهران نشر و پخش ویس ۱۳۶۶.
- کشاوری، کریم، هزارسال نشر فارسی، جلد پنجم، انتشارات جیبی، ۱۳۴۶.
- مراغه ای، حاج زین العابدین، سیاحت نامه/ابراهیم بیک، انتشارات جیبی، چاپ چهارم، ۱۳۵۷.

Two centuries of overcoming silence

A.Zekavati Gharagozlou(ph.d)

ARTICLE INFO	ABSTRACT
KEYWORDS Cultural turning, holistic approach, universalization ,alternative, initiation, individual, education, rationality of action	After the long term Iran-Russia wars in the early nineteenth century, Iranian society suffered an earthquake whose aftershocks of which continued until the Second World War. At the same time, this period coincided with several "cultural turnings". "Cultural turning" is both a result and a sign that the relationship between individual, social, and organizational actors and structures has become asymmetric and unbalanced and must therefore be renewed. The lack of consensus and "alexithymia" are entangled each other. This emphasize the process of understanding the" Renewal Intentionality. In this article, the metaphor of Alexithymia is used to refer to the need for a rhetorical understanding of the actors. They created and innovated or adapted or imitated ideas and styles in their own rhetoric of expression in order to overcome silence. The process of curing "alexithymia" in cultural developments and rotations requires to persuade people for treat institutional rigidity imbalances, as well as improving human relations and promoting empathy and harmony along with understanding the views of vertical individuals, apostates, sinners, infidels, subordinates and all groups are excluded and deprived of rights. Through each cultural turning, a new and more complex form of alexithymia and the lack of consensus may emerge. The holistic intentionality deconstructs and structures the universalization, for continuous balance. Creating this dynamic balance during the conditions of symbolic and institutional disorder to open the blockade of the holistic relationship with generalization as well as the actor-structure relationship is associated with continuous and long challenges. Here the value and importance of the dual hermeneutics of education (formal and informal institution) is revealed.